

## موضوع: حذف و نابودی سنت پیامبر؛ از زمینه های قتل سیدالشهدا(سلام الله علیه)!

ویژه برنامه «بعثت خون»

**مجری:**

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت»؛ شما بیننده اولین برنامه از سلسله ویژه برنامه‌هایی که در ایام محرم قرار است تقدیم حضور شما بشود تحت عنوان «بعثت خون» هستید. قرار است انشاءالله این برنامه‌ها هر شب از اول محرم تا شب دوازدهم محرم ساعت ۲۰ الی ۲۲ به صورت زنده تقدیم حضور شما عزیزان بشود.

انشاءالله ما سعی و تلاش کنیم با این برنامه‌ها معرفت خودمان را نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) با محوریت امام حسین (علیه السلام) و همچنین حوادث عاشورا و اتفاقاتی که در کربلا افتاده است افزایش دهیم.

به امید آنکه بعد از افزایش بینش و بصیرت خودمان بتوانیم بهتر و راحت‌تر و با بینشی عمیق‌تر برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری کنیم. انشاءالله بتوانیم از این طریق به ایصال مطلوب خداوند برسیم.

ما انشاءالله در شب‌های مختلف در خدمت کارشناسان عزیز و ارجمند «شبکه جهانی ولایت» خواهیم بود. امشب بنده حقیر در محضرتان هستم و شب‌های آینده در خدمت آقای اسماعیلی عزیز برادر ارجمندمان هم خواهید بود.

امشب افتخار این را داریم که در اولین برنامه «بعثت خون» در خدمت استاد عزیز، آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم. به نیابت از شما عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت استاد و همچنین فرارسیدن ایام محرم را تسلیت عرض می‌کنم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده

خودشان قرار داده‌اند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با تعزیت ایام عزاداری سرور آزادگان حضرت سید الشهداء (سلام الله علیه) تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی امام حسین (علیه السلام) پاداش ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله الأعظم، منتقم خون شهیدان و منتقم خون سرور آزادگان و هفتاد و دو یار باوفایشان و دیگر مظلومان قرار دهد.

خداوند متعال را قسم می‌دهیم به آبروی امام حسین (علیه السلام) رفع گرفتاری از همه، به ویژه از ما و شما گرامیان بنماید، حوائج همه ما و شما را برآورده سازد، دعاهاى همه ما را به اجابت برساند؛ ان شاء الله.

### **مجری:**

حضرت استاد از شما متشکرم. به هر حال امشب به عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) ورود پیدا می‌کنیم. ان شاء الله بعد از آنکه معرفت خودمان را افزایش دادیم، بتوانیم بهتر عزاداری کنیم و حق مطلب را به قدری که در استطاعتمان هست به جا بیاوریم.

در ویژه برنامه‌هایی که تحت عنوان «بعثت خون» تقدیم حضور شما می‌شود، قرار است ان شاء الله هر بزرگوار و کارشناسی که در خدمتشان هستیم روایات و فرمایشاتی را از ائمه اطهار (علیهم السلام) در خصوص آقا امام حسین (علیه السلام) قرائت کنند.

ما مشابه این کار را در ویژه برنامه «غدیر خم» انجام دادیم؛ منتها آن ویژه برنامه‌ها با محوریت غدیر و امامت بود، اما در اینجا محوریت امام حسین (علیه السلام) و عزاداری برای ایشان است.

ما می‌خواهیم ببینیم ائمه اطهار (علیهم السلام) راجع به آقا امام حسین (علیه السلام) چه فرموده‌اند. درخواست بسیاری از شما عزیزان بیننده این بود که در این برنامه در خصوص این موضوعات از کتب شیعه استفاده شود.

### **دیدگاه نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) پیرامون حضرت سیدالشهداء (سلام الله علیه)**

حضرت استاد من از حضرتعالی درخواست می‌کنم به عنوان شب اول از گل سرسبد خلقت که نبی مکرم اسلام (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداه) هستند، روایتی راجع به آقا امام حسین (علیه السلام) برای ما قرائت بفرمایید.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی

اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل  
نعم المولى و نعم النصير.

این حسین کیست که عالم همه دیوانه اوست

این چه شمعی است که جانها همه پروانه اوست

هرکجا می‌نگرم رنگ رخس جلوه‌گر است

هرکجا می‌گذرم جلوه مستانه اوست

هرکسی میل سوی کرب و بلایش دارد

من چه دانم که چه سرّی به در خانه اوست

روایت از نبی گرامی اسلام در رابطه با سید الشهداء فراوان است؛ حتی از لحظه ولادت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) روایاتی در این زمینه وجود دارد.

زمانی که چشم مقدس نبی گرامی اسلام به صورت زیبای امام حسین (علیه السلام) می‌افتد، قنداقه او را به دست می‌گیرد و قطرات اشکش جاری می‌شود. بعد از گذشتن یک سال، بعد از گذشتن دو سال و حتی در مناسبت‌های مختلف روایات فراوانی وجود دارد.

همچنین روضه‌خوانی حضرت رسول اکرم برای صحابه در مسجد النبى که ضجه مردم بلند می‌شود و گریه مردم فضای مسجد را مملو می‌کند، نمونه‌ای از این روایات است.

بنده به عنوان نمونه، روایتی را که هم شیعه و هم سنی آن را نقل کرده اند، برای شما نقل می‌کنم، و انشاءالله از امشب به در خانه سیدالشهداء (علیه السلام) برویم. بینندگان عزیز، گرفتاران، حاجت‌مندان! ای کسانی که مدت‌هاست در خانه‌ها را می‌زنید و آنها را بسته می‌بینید، فریاد می‌زنید و کسی به فریادتان نمی‌رسد؛ در خانه امام حسین (علیه السلام) از امشب باز است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

**«وكلنا سفن النجاة وسفينة الحسين أسرع»**

همه ما سفینه نجات هستیم، اما کشتی جدم حسین از همه سریع‌السيرتر است.

من سراغ ندارم کسی بگوید من در خانه امام حسین رفتم و ناامید برگشتم، حالا شاید گاهی اوقات حاجتی که ما می‌خواهیم به صلاح ما نباشد.

اگر حقیقت برای ما روشن شود و چشم برزخی داشته باشیم، قطعاً ما هم همان را می‌خواهیم که حسین (علیه السلام) و خدای حسین (علیه السلام) می‌خواهد؛ اما قسم به خدای امام حسین (علیه السلام) اگر کسی در خانه امام حسین برود ناامید برنمی‌گردد.

امام حسین نزد خدا خیلی آبرو دارد، زیرا تمام هستی خود را در راه خدا داد. خداوند متعال هم تمام تفضلاتش و تمام آنچه که در اختیار دارد و می‌خواهد برای بندگان تفضل کند، در اختیار سیدالشهدا (علیه السلام) قرار داده است.

در این زمینه روایتی وجود دارد که هم شیعه و هم سنی آن را نقل کرده است. اجازه بدهید من این روایت را با تصویر برای عزیزان بگویم.

در کتاب «مقتل الحسین» اثر جناب آقای «خوارزمی» از علمای بزرگ اهل سنت روایتی را از رسول گرامی اسلام ذیل آیه ۷ سوره مبارکه رعد بیان کرده است. خداوند متعال در سوره مبارکه رعد می‌فرماید:

**(إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ)**

تو فقط بیم‌رسانی، و هر گروهی را رهبری هست

سوره رعد (۱۳): آیه ۷

ما روایات متعددی از اهل سنت داریم که بعد از نزول این آیه رسول گرامی اسلام دست مبارکشان را بر سینه خودشان گذاشتند و فرمودند:

**«أنا المنذر و علی الهادی بک یا علی یهتدی المهتدون»**

من بیم دهنده و علی هدایت گر است. ای علی! به واسطه تو مردم هدایت می‌شوند.

تاریخ مدینه دمشق، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبي سعید عمر بن غرامة العمری؛ ج ۴۲، ص ۳۵۹

رسول گرامی اسلام همچنین خطاب به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: تو هدایتگری و مراد از (وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ) تو هستی!

**«بالحسن أعطیتم الإحسان»**

احسانی که از طرف خداوند عالم به شما می‌رسد به برکت فرزندم حسن است،

**«وبالحسین تسعدون وبه تشقون»**

اگر چنانچه می‌خواهید به سعادت برسید توسط امام حسین است و مایه شقاوت هم رویگردانی از امام حسین است.

**«ألا وإن الحسين باب من أبواب الجنة»**

حسین دری از درهای بهشت است.

**«من عانده حرم الله عليه ریح الجنة»**

هرکسی با امام حسین (علیه السلام) از سر عناد برخیزد خداوند عالم حتی بوی بهشت را هم بر او حرام می‌کند.

بحار الأنوار؛ ج ۲۵، ص ۴۰۵، ح ۲۸

همچنین از علمای شیعه جناب «ابن شاذان قمی» در کتاب «فضایل امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)» این روایت را نقل می‌کند، همچنین «أحمد بن حنبل» روایت دیگری را نقل می‌کند.

بنده می‌خواهم عرض کنم که دوستان عزیز از امشب آماده باشید. به نظر من بدبخت‌ترین، شقی‌ترین و بیچاره‌ترین انسان‌ها کسی است که در ایام محرم و صفر و عزاداری امام حسین (علیه السلام) رد شود و نتواند به برکت امام حسین کاری کند که گناهانش بخشیده شود.

بیچاره‌ترین انسان‌ها کسی است که نتواند در این ایام کاری کند که گناهانش به حسنات مبدل شود. بیچاره کسی است که دهه عاشورا بگذرد، ولی دست خالی از درگاه خداوند متعال برگردد. بیچاره کسی است که عزاداری امام حسین (علیه السلام) بگذرد، اما او حاجت نگرفته از محرم بیرون رود.

در کتاب «فضائل الصحابه» اثر امام «أحمد بن حنبل» رئیس حنابله است. ایشان در جلد دوم این کتاب روایتی را به طور مفصل از امام حسین (علیه السلام) نقل می‌کند.

عزیزان شما را به امام حسین (علیه السلام) قسم می‌دهم خوب دقت کنید. روایت از کتاب «کافی» و «بحارالانوار» و «تهذیب» نیست؛ بلکه از کتب اهل سنت و بالأخص امام اهل سنت است!!

این روایت از خود امام حسین (علیه السلام) است، حداقل آقایان اهل سنت امام حسین را به عنوان صحابی رسول الله قبول دارند. آن بزرگوار می‌فرماید:

**«مَنْ دَمَعَتَا عَيْنَاهُ فِينَا دَمَعَةً»**

هرکسی چشمانش اشک آلود شود،

**«أَوْ فَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا فَطْرَةً»**

یا یک قطره اشک در مصیبت ما بریزد،

**«أَتَوَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ»**

خداوند پاداش این قطره اشک را بهشت قرار می‌دهد.

فضائل الصحابة، المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ۲۴۱ هـ)، المحقق: د. وصی الله محمد عباس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۶۷۵، ح ۱۱۵۴

به عبارت بهتر خداوند عالم می‌فرماید: من بهشت می‌فروشم و قیمت آن هم یک قطره برای امام حسین (علیه السلام) است. از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کند؟!

همچنین جناب «محب الدین طبری» که باز هم از علمای اهل سنت است، در کتاب «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی» در صفحه ۱۹ همین تعبیر را بیان کرده است.

**«من دمعت عيناه فينا دمة أو قطرت عيناه فينا قطرة آناه الله عز وجل الجنة»**

ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، اسم المؤلف: محب الدین أحمد بن عبد الله الطبری، دار النشر: دار الكتب المصرية - مصر، ج ۱، ص ۱۹، باب ذکر ما لمن توجع لهم

ما روایت دیگری هم داریم مبنی بر اینکه اگر کسی نمی‌تواند گریه کند، خود را به تباکی بزند و به گریه بیندازد تا پاداش اجری را که خداوند عالم برای گریه بر سیدالشهداء (علیه السلام) قرار داده است؛ به او برسد.

دوستان از امشب دیگر در خانه امام حسین (علیه السلام) باز شده است. تمام مردم اعم از شیعه، سنی در خانه امام حسین هستند؛ به غیر از چند نفر وهابی کور دل که همه چیز را بدعت خطاب می‌کنند، اما زمانی که به خودشان می‌رسد آن را سنت خطاب می‌کنند!!

**داستان شعرگفتن «محتشم کاشانی» برای امام حسین (سلام الله علیه)**

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

یادم هست دو سه سال قبل، قضیه‌ای را در رابطه با «محتشم کاشانی» نقل کردم که برای من خیلی عجیب بود. ایشان از شعرای مشهور است؛ اولین شعر گفتن او برای امام حسین (علیه السلام) داستانی دارد که خود او نقل می‌کند و مورد احترام همه هست.

«محتشم کاشانی» می‌گوید: برادرم «عبد الغنی» در سفر مکه از دنیا رفته بود و خیلی برایم دردآور بود.

الحق مرگ برادر خیلی سخت و دردآور است. این مصیبت شاید برای کسانی که غم مرگ برادر ندیده‌اند، خیلی قابل تأمل نشود. بنده خودم برادری ۱۴ ساله داشتم که شاید نزدیک به سی سال است که از دنیا رفته است، اما هر وقت یاد او می‌افتم اندوهگین می‌شوم.  
غم مرگ برادر را برادر مُرده می‌داند!

او در ادامه می‌گوید: برادرم که از دنیا رفته بود، تاب و توان از من گرفته شده بود و شبانه روزم سیاه شده بود. من اشعاری را در مرثیه برادرم می‌گفتم و برای خودم و خانواده‌ام زمزمه می‌کردم.  
یک شب در عالم رؤیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در خواب دیدم. آن بزرگوار به من فرمودند: محتشم چرا این همه در مصیبت برادرت شعر می‌گویی، اما برای فرزندم حسین مرثیه و شعر نمی‌گویی؟!

«محتشم» می‌گوید: مصیبت فرزندان حسین به قدری عظیم و جانسوز است که به حد و حصر نمی‌آید. بنده خود را در آن حد نمی‌بینم که در مصیبت فرزندان حسین شعر بگویم؛ خجالت می‌کشم!  
امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در عالم رؤیا فرمودند: محتشم بگو باز این چه شورش است که در خلق عالم است! «محتشم» می‌گوید: در همان حالت از خواب بیدار شدم و شروع به شعر گفتن کردم.

عزیزان اشعار «محتشم کاشانی» را در ایام عزاداری امام حسین (علیه السلام) در مساجد و تکایا و منازل و کوچه‌ها مشاهده می‌کنید. بدانید که این شعر تنها متعلق به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

سپس در انتهای شعر می‌گوید:

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

در زیارت عاشورا می‌خوانیم:

**«لَقَدْ عَظَمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظَمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ»**

ای ابا عبدالله براستی بزرگ شد سوگواری تو و گران و عظیم گشت مصیبت تو بر ما و بر همه اهل اسلام.

### فرازهایی از زیارت عاشورا

جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پرورده کنار رسول خدا حسین

تا در ادامه می‌گوید:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا

در خاک و خون تپیده میدان کربلا

گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست

خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا

از آب هم مضایقه کردند کوفیان

خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکند

خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا

زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد

فریاد العطش ز بیابان کربلا

او می‌گوید: من مشغول شعر گفتن بودم، تا به این عبارت رسیدم؛

هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال

در این عبارت ماندم و هرچه به خودم فشار آوردم، نتوانستم بیت بعدی را بگویم. سپس به ائمه طاهرین (علیهم السلام) متوسل شدم؛ در عالم خواب حضرت ولی عصر حجة بن الحسن (ارواحنا له الفداء) را دیدم.



ایشان به من فرمودند: محتشم در بیت دوم شعر خود گیر کردی؟! من در جواب گفتم: بله، آقایان هرچه می‌خواهم بگویم مطلبی که لایق ذات اقدس ربوبی باشد؛ نمی‌توانم بگویم. وجود نازنین حجة بن الحسن در عالم رؤیا به او فرمودند: در ادامه چنین بگو:

او در دل است و هیچ دلی نیست بی ملال

«الْقَلْبُ حَرَمُ اللَّهِ فَلَا تُسْكُنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ»

بحار الأنوار؛ مجلسی، محمد باقر، ج ۶۷، ص ۲۵، ح ۲۷

«ألا لعنة الله على القوم الظالمين و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون»

**مجری:**

فرارسیدن ایام محرم را خدمت شما شیعیان و محبان آقا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) تسلیت عرض می‌کنم.

الآن هم در شب اول محرم قرار داریم؛ انشاءالله از آقا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) روزی بگیریم و بتوانیم خوب رفتار کنیم و خوب عزاداری کنیم و معرفت خودمان را افزایش بدهیم.

خلاصه انشاءالله این ایام، ایامی باشد که برای ما منجر به حسرت نباشد. اگر سال‌های دیگر در این دنیا نبودیم تا عزادار آقا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) باشیم، نگوییم ای کاش بهتر عزاداری می‌کردیم و حق مطلب را بهتر به جا می‌آوردیم.

بینندگان عزیزی که در برنامه‌هایی که تقدیم حضورشان می‌شد با ما همراه بودند، ملاحظه کردند که ما چند روز قبل و شاید کمتر از یک هفته مشغول عید بودیم و غدیر را جشن گرفته بودیم.

ما به مناسبت‌های مختلفی که در مورد آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود و بحث‌هایی که راجع به آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود، فرمایشاتی که رسول گرامی اسلام راجع به امیرالمؤمنین و اهل‌بیت بیان فرموده بودند؛ مطالبی را بیان کردیم.

با فاصله کوتاهی از ذی‌الحجه وارد محرم شدیم و مجبوریم این بساط عزا را برای بزرگداشت آقا ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) به پا بداریم. اگر بخواهیم میان این دو جریان با فاصله زمانی بسنجیم، شاید کمتر از ۵۰ سال است.

حضرت استاد! اگر فاصله شهادت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) تا شهادت امام حسین (علیه السلام) را در نظر بگیریم، واقعاً سؤالی در ذهن به وجود می‌آید که چگونه شد و چه اتفاقی افتاد که آقا امام حسین (علیه السلام) علی‌رغم آیات و روایات فراوانی که در حق اهل‌بیت

عصمت و طهارت نازل شده بود، از جایگاهی که روی دوش پیغمبر اکرم داشتند؛ در صحرای کربلا با آن وضعیت فجیع به شهادت رسیدند؟!

چرا وجود نازنین امام حسین (علیه السلام) نه تنها به دست کفار، بلکه به دست افرادی که ادعای مسلمانی داشتند به شهادت رسیدند؟!

## **امروز دفاع از امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از اوجب واجبات است!!**

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بنده قبل از اینکه سؤال حضرتعالی را جواب بدهم، نکته‌ای ضروری را خدمت تمامی عزیزان شیعه عرض می‌کنم. من کاری به عزیزان اهل سنت ندارم و همچنین با وهابیت هم هیچ کاری ندارم؛ بلکه جمله امشب من تنها خطاب به شیعیان است.

یک شیعه اگر واقعاً نتواند در این دنیای پر غوغا، چند روایت برای حقانیت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با ذکر سند حفظ کند و در جای لازم بیان کند، مرگ برای چنین شخصی بهتر از حیات اوست!!

عزیزان شیعه من خیلی معذرت می‌خواهم، من را ببخشید. خاک بر سر من اگر نتوانم چند روایت در این عصری که از در و دیوار، شبهات علیه شیعه و علیه حقانیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) توسط نواصب سرازیر می‌شود، حفظ کنم!

بعضاً می‌بینیم افرادی با شبکه‌های شیطانی تماس می‌گیرند. این افراد در مغلظه دست شیطان را از پشت بسته‌اند و در سؤال پیچ کردن، استاد شیاطین هستند.

بعضی از آقایان تماس می‌گیرند و کارشناسان وهابی به آنها می‌گویند: شما یک روایت بیاورید که علی بن ابی طالب خودش ادعا کرده باشد که من امام هستم. شخص تماس گیرنده هم در جواب می‌گوید: من حضور ذهن ندارم!!

اگر حضور ذهن ندارید اشتباه می‌کنید با شبکه‌های وهابی تماس می‌گیرید. بنده تصمیم داشتم خیلی تند برخورد کنم، ولی امروز چند پیامکی هم از عزیزان دریافت کردم که مقداری از عصبانیتم کاسته شد.

من تلاش می‌کنم هرشب در ایام محرم که ایام امام حسین (علیه السلام) است، در مورد حقانیت امام حسین صحبت کنم؛ زیرا حقانیت امام حسین (علیه السلام) بستگی به حقانیت امام حسن (علیه السلام) دارد. حقانیت امام حسن (علیه السلام) بستگی به حقانیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دارد و حقانیت امیرالمؤمنین هم وابسته به حقانیت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد.

اگر ما بخواهیم از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سخن بگوییم، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سرچشمه است و باید آنجا را درست صاف و محکم کنیم، سپس سراغ دیگر ائمه (علیهم السلام) برویم.

امروزه شیاطین سرچشمه را هدف قرار دادند. بنده الآن حدود ۳ الی چهار ماه است بیش از ۵۰ روایت از زبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مبنی بر امامت خودشان آوردم.

علی رغم روایات فراوانی که بنده در این زمینه آوردم؛ اما این شیاطین و تخم شیاطین و شجره خبیثه ملعونه بنی امیه و نسل یزید بن معاویه و شمر بن ذی الجوشن دوباره ادعای خودشان را تکرار می‌کنند.

اصلاً قیافه بعضی از این افراد، به قیافه شمر می‌ماند. زمانی که انسان به این اشخاص نگاه می‌کند، خیال می‌کند که شمر بن ذی الجوشن قاتل امام حسین (علیه السلام) آمده است و دارد حرف می‌زند!!

ما الآن سه الی چهار ماه است بیش از ۵۰ روایت با سند صحیح از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آوردیم که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرمایند: "من امام و خلیفه هستم، پیغمبر اکرم در غدیر خم من را به عنوان خلیفه و امام معرفی کرده است."

این افراد حیا نمی‌کنند و می‌گویند: "یک روایت بیاورید!" ما ۵۰ روایت آوردیم؛ اما نمی‌دانیم که این افراد کجا هستند و چکار دارند می‌کنند. این افراد می‌گویند: "ناصبی وجود ندارد!"; ناصبی خود شما هستید و غیر از شما دیگر ناصبی وجود ندارد.

شما استدلال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به امامت خودشان در نهج البلاغه را مشاهده کنید. بنده ۱۳ مورد روایت تنها از کتاب «نهج البلاغه» از زبان خود امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مبنی بر حقانیتشان را نقل کردم.

ای شیعه! تو را به جان امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) یک یا دو مورد از این روایات را حفظ کن!! اگر به تو بگویند فلان جا آش نذری تقسیم می‌کنند، بلافاصله بلند می‌شوی و می‌روی. آیا این قضیه این قدر اهمیت ندارد؟!

بنده خیلی از دست عزیزان شیعه عصبانی هستم و اعصابم خورد است؛ زیرا مقداری کم لطفی می‌کنند. مگر حفظ کردن یک یا دو مورد روایت با جلد و صفحه و شماره خطبه چقدر زحمت دارد؟!

امروز دفاع از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از اوجب واجبات است!! همانطوری که نماز و روزه را بر خودتان واجب می‌دانید، امروز دفاع از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حد نماز و روزه؛ بلکه بالاتر از آن است!

من امشب تنها یک مورد را بیان می‌کنم، عزیزان دقت کنید. ای شیعیان! خطبه دوم نهج البلاغه را حفظ کنید. فکر نمی‌کنم حفظ کردنش اینقدر مشکل باشد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این خطبه می‌فرماید:

«لَا يِقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ»

کسی با آل محمد قابل مقایسه نیست،

«هُمْ أَسَاسُ الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ»

آنها اساس دین و پایه‌های یقین هستند،

«إِلَيْهِمْ يَفِيءُ الْعَالِي وَ بِهِمْ يَلْحَقُ النَّالِي»

کسانی که در حق آن بزرگواران غلو کردند باید به آنها ملحق شوند.

«وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ»

حق ولایت بر مردم و حکومت بر مردم و خلافت بر مردم مال این افراد است،

«وَ فِيهِمُ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ»

وصی و وارث پیغمبر اکرم این افراد هستند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این خطبه را بعد از قتل عثمان که مردم با ایشان بیعت می‌کنند، خواندند.

«الآنَ إِذْ رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ»

الآن که مردم من را به عنوان خلیفه قبول کردند، حق به حقدار رسید.

«وَ نُقِلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ»

خلافت به جای اصلی خود انتقال پیدا کرد.

نهج البلاغه؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق: صالح، صبحی، ص ۴۷، خ ۲، ج ۸۴

این خطبه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به معنای اعتراض به تمام خلافت خلفای گذشته است. عزیزان تنها کافیست از خطبه دوم نهج البلاغه کلمه «مُنْتَقَلِهِ» یادتان بماند و آن را در نرم افزار جستجو کنند تا این روایت را سریع پیدا کنند.

بنده گمان نمی‌کنم کلمه «مُنْتَقِلِه» را جای دیگر هم به این شکل داشته باشیم. بنده همین الآن کلمه «مُنْتَقِلِه» را جستجو می‌کنم؛ کلمه «مُنْتَقِلِه» به تنهایی یافت می‌شود، اما «نُقِلَ إِلَى مُنْتَقِلِه» در هیچ روایت دیگری وجود ندارد. دیگر از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟!

همچنین روایتی از جلد هشتم کتاب «کافی» صفحه ۳۴۳ حدیث ۵۴۱ آوردیم. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این روایت می‌فرماید: پیغمبر اکرم در غدیر خم من را به عنوان امام معرفی کرد.

بنابراین بنده از عزیزان شیعه که می‌خواهند روی خط بیایند تقاضا دارم که اول یک روایت از زبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در امامتشان بخوانند، سپس سؤال کنند؛ در غیر این صورت بنده می‌گویم که تلفن او را قطع کنند.

تلاش کنیم در طول این ده شب برای عزیزان شیعه فرهنگ‌سازی کنیم که بچه شیعه‌های ما از زبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) روایتی در رابطه با حقانیت حضرت داشته باشند.

### یک انتقاد جدی!

در رابطه با فرمایش حضرتعالی مبنی بر اینکه: "چرا این اتفاقات افتاد؟!" بحث ما بحث علمی آزاد است و قصد اهانت و جسارت نداریم.

همان‌طور که آقایان اهل سنت در خطبه‌های نماز جمعه بحث‌های علمی مطرح می‌کنند و در کتاب‌هایشان بحث علمی مطرح می‌کنند؛ ما هم از کتاب‌های اهل سنت مباحثی علمی مطرح می‌کنیم.

عزیزم جناب آقای «مولوی ساداتی» بحثی را مطرح کردند؛ من خیلی دوست داشتم با ایشان تماسی داشته باشم و ایشان روی خط بیایند و فرمایشاتی که در خطبه‌های نماز جمعه داشتند را مطرح کنند.

بنده علی‌رغم تمام اختلافات فکری که با ایشان داریم، ایشان را دوست دارم و ارادتمند ایشان هستم. اگر مراد ایشان «شبکه جهانی ولایت» بود، اگر ایشان قم تشریف بیاورند ما حاضریم در حد بضاعت طلبه‌گی از ایشان پذیرایی کنیم.

بنده چون ایشان را دوست دارم، این مطالب را می‌گویم؛ وگرنه خیلی از این آقایان در خطبه‌های نماز حرف‌هایی می‌زنند که ریشه و اساس ندارد و اصلاً ما آنها را به حساب نمی‌آوریم و اصلاً عددی هم نیستند.

علی رغم آقایان دیگر، بنده برای این عزیز خیلی احترام قائل هستم. اگر ایشان اینجا تشریف بیاورند، با هم می‌نشینیم و اگر مواردی یا اشکالی یا انتقادی به برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» دارند مطرح کنند ما در خدمتشان باشیم.

اگر واقعاً ثابت کردند در بخشی از برنامه‌های ما اشکالی وجود دارد، ما اصلاح می‌کنیم و گردن ما از مو باریک‌تر است؛ اما اگر ما ثابت کردیم که برداشت ایشان صحیح نیست، انتظار داریم که آقای «ساداتی» برداشتشان را اصلاح بفرمایند.

ما به دلیل اینکه شما را شخص منصفی می‌دانیم، بر این عقیده هستیم. بنده خیلی دوست داشتم که صوت ایشان را داشته باشم، اما مطالب ایشان در بعضی از سایت‌ها آمده بود که تنها مطالب ایشان را از سایت‌ها خواندم؛ البته خیلی نمی‌توان به سایت‌ها هم اعتماد کرد.

بنده دیروز در اصفهان برنامه داشتم که حدود ۹۰۰ نفر از طلاب و فضلا که می‌خواستند به تبلیغ بروند، از ما برای سخنرانی دعوت کرده بودند. من در آنجا نزدیک دو ساعت صحبت کردم، اما بعضی از خبرگزاری‌ها مطالب ضد و نقیضی از صحبت‌های من نقل کرده بودند.

ما در آنجا نقطه ضعف رسانه‌ها حتی نقطه ضعف «شبکه جهانی ولایت» را مطرح کردیم، اما خبرگزاری‌ها آن مطالب را با عنوان "انتقاد آیت الله قزوینی از صدا و سیما" بیان کردند. خبرگزاری که در آنجا بود باید حداقل انصاف را به خرج می‌داد و صحیح نقل قول می‌کرد.

موضوع بحث ما، بحث رسانه بود؛ ما راجع به خطراتی که امروز رسانه‌های وهابی و راهکارهای مقابله با این خطرات بحث کردیم، سپس راجع به آسیب شناسی و تقویت خود صحبت کردیم.

بنده واقعاً از خبرگزاری فارس گلایه دارم. چندی پیش دو تن از خبرگزاری‌ها به منزل ما آمدند و بنده حدود ۵ دقیقه در خصوص «یاسر الحبيب» با آنها مصاحبه کردم؛ پس از آن مشاهده کردم که آقایان چندین صفحه از قول من مطلب نوشته‌اند.

آنها از قول من مطالبی نوشته بودند که بنده در عمرم حتی آنها را نشنیده بودم. بنابراین بنده به خبرگزاری‌هایی که بعضی از مطالب را نقل می‌کنند اعتماد صددرصد ندارم؛ اما اگر صوت ایشان بود یا اگر توانستیم با ایشان دیدار حضوری یا تلفنی داشته باشیم خوشحال می‌شویم.

اگر ایشان با اسکایپ روی خط بیایند تا مردم دنیا تصویر این عزیزمان را هم ببینند، ما افتخار می‌کنیم. در حال حاضر حدود ۶۰ میلیون مخاطب در اختیار ما هست و ما حاضریم مخاطبین را در اختیار این عزیزمان قرار بدهیم تا حرفشان را بزنند.

**ارزش و اهمیت سنت نبی مکرم، از دیدگاه علمای اهل سنت!**

بنابراین بحث ما بحث علمی است. در قرآن کریم به صراحت در کنار سخن خود سخن پیغمبر اکرم را هم حجت قرار داده است. قرآن کریم منهای سنت دیگر قرآن نیست؛ خداوند عالم در سوره نحل آیه ۴۴ به صراحت می‌فرماید:

### **(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)**

و این قرآن را بتو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی.

**سوره نحل (۱۶): آیه ۴۴**

اگر قرآن کریم برای عموم همه فهم بود، دیگر چه نیازی به تبیین داشت؟! در آن صورت باید می‌فرمود: «لتقرئه على الناس»، «لتتلوا على الناس» برای مردم قرائت کنی، بخوانی و تلاوت کنی.

در اینجا نمی‌گوید قرائت کنی، بلکه فرموده است قرآن را برای مردم بیان و تفسیر کن!! همچنین در سوره مبارکه حشر آیه ۷ خداوند متعال چنین مطلبی فرموده است.

### **(وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)**

و هر دستوری که رسول به شما داد بگیرید و از هر گناهی نهیتان کرد آن را ترک کنید و از خدا بترسید که خدا عقابی سخت دارد.

**سوره حشر (۵۹): آیه ۷**

این دستور خداوند متعال مربوط به قرآن کریم نیست، بلکه مربوط به سنت است. ما در گذشته بحثی داشتیم که علمای سنت می‌گویند: "اگر سنت نبود، یک نفر از ما قرآن را نمی‌فهمید!"

تنها سنت بیانگر قرآن است؛ خیلی واضح و روشن است. حال که بحث به اینجا رسید، به جهت اینکه مطلب ناقص نماند، مطالبی بیان می‌کنم. «ابوحنیفه» می‌گوید:

«لولا السنة ما فهم أحد منا القرآن»

اگر سنت نبود، یک نفر از ما قرآن را نمی‌فهمید.

**قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، اسم المؤلف: محمد جمال الدين القاسمي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۱۲**

آقای «ألبانی» که امروزه به خدای وهابیت تبدیل شده است، می‌گوید:

«فحذار أيها المسلم! أن تحاول فهم القرآن مستقلاً عن السنة»

ای مسلمان برحذر باش از اینکه تلاش کنی قرآن را مستقل از سنت بفهمی.

«فإنك لن تستطيع ذلك»

هرگز نمی‌توانی قرآن را بدون سنت بفهمی

«ولو كنت في اللغة سيويه زمانك»

ولو در لغت مثل سیویه بنیانگذار لغت هم باشی، بدون سنت نمی‌توانی قرآن را بفهمی.

صفة صلاة النبي من التكبير إلى التسليم كأنك تراها؛ المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)؛ الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع - الرياض؛ ص ١٧١

این مطالب نمونه‌هایی از مطالبی است که عزیزان و بزرگواران ما به طور مفصل آن را مطرح کردند.

همچنین در کتاب «تفسیر قرطبی» از «احمد بن حنبل» نقل شده است که می‌گوید:

«إن السنة تفسر الكتاب وتبينه»

سنت پیغمبر اکرم است که قرآن را تفسیر و تبیین می‌کند.

الجامع لأحكام القرآن، أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، سنة الولادة / سنة الوفاة، الناشر دار الشعب، مكان النشر القاهرة، عدد الأجزاء ٨، ج ١، ص ٣٩

من در این زمینه مطالب زیادی دارم. همچنین اینکه سنت هم همان وحی است. «حسان بن عطیه» می‌گوید:

«كان الوحي ينزل على رسول الله صلى الله عليه وسلم ويحضره جبريل بالسنة آلتى تفسر ذلك»

جامع بيان العلم وفضله؛ ابن عبد البر، - دار الكتب العلمية، بيروت؛ ج ٢، ص ١٩١

همچنین «ابن حجر» از «بیهقی» به سند صحیح نقل می‌کند که جبرئیل همان‌طوری که قرآن کریم را به پیغمبر اکرم وحی می‌کرد، سنت را هم برای پیغمبر اکرم وحی می‌کرد و می‌آورد! فرق قرآن با سنت این است که در قرآن کریم اعجاز است، اما در صورت اعجاز وجود ندارد؛ اما هردو وحی است و هردو کلام حق است. خداوند متعال در مورد رسول گرامی اسلام می‌فرماید:

(وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ)

و هرگز از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید به جز وحی‌ای که به وی می‌شود نمی‌باشد

سوره نجم (٥٢): آیه ٣ و ٤



برادر عزیز اهل سنت این بحث کاملاً واضح و روشن است که سنت با قرآن کریم کاملاً عجین است؛ بلکه بدون سنت قرآن کریم قابل فهم نیست.

### **حذف سنت پیامبر؛ از زمینه های قتل سیدالشهدا(سلام الله علیه)!**

من به یکی دو مورد از اتفاقاتی که بعد از پیغمبر اکرم افتاده است اشاره می‌کنم که آنها را زمینه‌ساز جدا کردن اهل‌بیت عصمت و طهارت از قرآن کریم و به حاشیه راندن اهل‌بیت و همچنین زمینه‌ساز قتل سیدالشهدا و شهادت امام حسین (علیه السلام) می‌دانم.

این مطالب بحث علمی و نظر شخصی خودم است. بنده کاری به دیگران ندارم؛ هرکدام از بزرگواران و اندیشمندان اهل سنت هم که نظر خلافی دارند، تشریف بیاورند یا به صورت تلفنی یا با اسکایپ تماس حاصل کنند و تریبون «شبکه جهانی ولایت» در اختیار آنهاست.

در کتاب «تذكرة الحفاظ» اثر «ذهبی» است؛ زمانی که «ذهبی» حرفی می‌زند، گمان نمی‌کنم آقایان بتوانند آن حرف را رد کنند. او در جلد اول صفحه ۵ از قول عایشه أم المؤمنین همسر پیغمبر و دختر ابوبکر می‌گوید:

پدرم تعداد پانصد حدیث از پیغمبر اکرم نقل کرد، شب تا صبح خیلی ناراحت بود، به او گفتم: چرا ناراحت هستید؟! زمانی که صبح شد، پدرم به من گفت: آتشی بیاور، سپس:

### **«فدعا بنار فحرقها»**

پدرم آتشی خواست و تمام این احادیث را آتش زد.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ج ۱، ص ۵، ح ۱

یک مورد و دو مورد نیست؛ حال اینکه نویسنده این روایت را صحیح یا ضعیف می‌خوانند کار نداریم، اما به قدری این موارد زیاد است خود آقایان می‌گویند: مطلب اگر به حلال و حرام نرسد، روایت ضعیف هم برای ما حجت است!

همچنین جناب آقای «خطیب بغدادی» در «تقیید العلم» از خلیفه دوم نقل می‌کند که می‌گوید: تعدادی از مسلمانان احادیث پیغمبر اکرم را نوشته بودند، او دستور داد این روایات را بیاورند؛ سپس:

### **«فأحرقها بالنار»**

تقیید العلم للخطیب البغدادی، اسم المؤلف: الخطیب البغدادی، دار النشر: دار إحياء السنة النبوية، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱

همچنین «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد ۵ صفحه ۵۹ می‌گوید: در زمان خلیفه دوم احادیث پیغمبر اکرم زیاد شده بود. او به مردم قسم داد که هرکسی حدیثی دارد بیاورد،

### «فلما أتوه بها أمر بتحريقها»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۸

دوباره می‌گویم والله این مطالب به قصد جسارت نیست. از «ابن ابی ملیکه» که در زمان «عبدالله بن زبیر» قاضی القضاة مکه بوده است که می‌گوید:

«أن الصديق جمع الناس بعد وفاة نبيهم فقال إنكم تحدثون عن رسول الله أحاديث تختلفون فيها والناس بعدكم أشد اختلافًا»

ابوبکر همه مسلمانان را جمع کرد و گفت: شما دارید از رسول الله روایتی نقل می‌کنید که در آن اختلاف دارید و بعد از شما مردم بیشتر اختلاف می‌کنند.

«فلا تحدثوا عن رسول الله شيئًا»

کسی حق ندارد یک روایت از پیغمبر اکرم معنا کند.

«ابو حنیفه» می‌گوید:

«لولا السنة ما فهم أحد منا القرآن»

قرآن کریم می‌فرماید:

(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)

همچنین می‌فرماید:

(لَتُبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

اگر بنا باشد صحابه به خاطر اختلافی که در حدیث دارند و باید حدیث نقل نشود، باید راهکار حل اختلاف را درست می‌کردند؛ نه اینکه صورت مسئله را پاک کنند. زمانی که دو نفر با هم دعوا می‌کنند، ما باید دعوا را با هم اصلاح کنیم، نه اینکه گردن هردو طرف را بزنیم!!

«فلا تحدثوا عن رسول الله شيئًا»

کسی حق ندارد از پیغمبر اکرم هیچ روایتی نقل کند،

«فمن سألكم فقولوا بيننا وبينكم كتاب الله»

هرکسی از حدیث سؤالی پرسید، بگوید کتاب الله کافی است.

درحالی که قرآن کریم می فرماید: **(وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ)**، **(لَثَلَّيْنِ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)!!**  
جالب این است که «ذهبی» می گوید:

«ولم يقل حسبنا كتاب الله كما تقوله الخوارج»

او نگفت کتاب برای ما کافی است، همانطور که خوارج می گویند.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -  
بيروت، الطبعة: الأولى، ج ١، ص ٣، ح ١

بنده در اینجا اصلاً و ابداً حاشیه‌ای نمی‌زنم؛ زیرا می‌ترسم که مقداری اختلاف به وجود بیاید.  
همچنین در کتاب «جامع بیان العلم» از آقای «ابن عبد البر» جلد اول صفحه ۶۵ روایتی وارد شده  
است که او می‌گوید:

«أن عمر بن الخطاب رضی الله عنه أراد أن يكتب السنة ثم بدا له»

خلیفه دوم ابتدا می‌خواست سنت پیغمبر اکرم را بنویسد، بعد بداء حاصل شد که ننویسد.

«أن لا يكتبها ثم كتب في الأمصار من كان عنده شيء فليحمله»

سپس به تمام شهرها دستور داد هرکسی یک روایت از پیغمبر اکرم دارد واجب است که او را  
محو و نابود کند.

جامع بيان العلم وفضله، يوسف بن عبد البر، الناشر دار الكتب العلمية، بيروت، ج ١، ص ٦٥

آقایانی که می‌گویند شیعه می‌گوید: "افرادی که قائل به بداء هستند، مشرک و کافر هستند" به این  
روایت توجه کنند!

سپس در ادامه روایت «ابی برده» می‌گوید: من از پدرم کتابی نوشته بودم که در آن تمام احادیث  
پیغمبر اکرم جمع آوری شده بود. درخواست کردم که کتاب را بیاورید، زمانی که کتاب را آوردند تمام  
این کتاب را با آب شستم و تمام کردم!!

همچنین «أسود بن هلال» می‌گوید: آقای «عبدالله» کتابی آورد که احادیث پیغمبر اکرم در آن وجود  
داشت. او درخواست کرد که آب بیاورید، زمانی که آب آوردند تمام احادیث پیغمبر اکرم را با آب  
شست!

در زمان گذشته کتاب‌ها را با مرکب می نوشتند و به صورت چاپی نبود. اگر یک قطره آب روی یک صفحه می افتاد، تمام نوشته‌های آن را از بین می برد و تمام می شد.

او در ادامه می گوید: «عبدالله» آبی درخواست کرد، تمام این ورق‌ها را با آب شست و بعد از آن تمام کتاب و جزوه را به آتش کشید.

بنده در این زمینه حرف زیاد دارم؛ همین اقدامات خلفا باعث شد تا صد سال سنت پیغمبر اکرم نوشته نشود و روایاتی که در مورد اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است، فراموش شود و حدیث «الْحَسَنُ وَ الْخُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» از زبان‌ها بیفتد.

تمام روایاتی که در فضیلت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) و در فضیلت و جایگاه امام حسین (علیه السلام) بود، تماماً از سر زبان‌ها افتاد.

مردم پس از ۱۱۰ یا ۱۲۰ سال شروع به روایت نوشتن کردند. صحابه‌ای که روایت شنیده بودند، همگی از دنیا رفته بودند و روایات آن‌ها همگی در سینه‌ها محفوظ بود. شما حساب کنید که چه افرادی شروع به روایت نوشتن کردند!؟

در کتاب «تاریخ مدینه السلام» یا همان «تاریخ بغداد» اثر «خطیب بغدادی» است. در جلد اول این کتاب از «یحیی بن معین» که بنیانگذار علم رجال و از شخصیت‌های طراز اول اهل سنت است، مطلبی نقل شده است که می گوید:

«وَأَيُّ صَاحِبِ حَدِيثٍ لَا يَكْتَبُ عَنْ كَذَابِ أَلْفِ حَدِيثٍ»

یک نفر محدث به من نشان بدهید که از کذاب هزار روایت نوشته باشد.

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱، ص ۴۳، باب بقیة الأخبار التابعة لحديث أبي عثمان عن جریر

او می گوید: یک محدث به من نشان بدهید که از شخص کذاب هزار روایت نوشته باشد. این مطلب شامل تمام محدثین می شود.

نمونه‌ای از آن محدثین «محمد بن اسماعیل بخاری»، «مسلم بن حجاج نیشابوری»، «احمد بن حنبل»، «ابن سعد» صاحب «طبقات الکبری»، «نسائی» و «ابو داود» است. او می گوید: کدام صاحب حدیثی است که از کذاب هزار روایت نوشته باشد!!

مهم‌تر از این در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد هفتم صفحه ۲۲۶ مطلبی را از «شعبه» نقل می کنند که آن را امیرالمؤمنین فی الحدیث خطاب می کنند!! او می گوید:

«ما أعلم أحدا، فتش الحدیث کتفتیشی»

ندیدم کسی به اندازه من درباره حدیث تحقیق و جستجو کرده باشد،

«وقفت علی أن ثلاثة أرباعه كذب»

به این رسیدم که سه چهارم آنها دروغ است.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، عدد الأجزاء: ۲۳، مصدر الكتاب: موقع يعسوب، [ترقی ام الكتاب موافق للمطبوع]، ج ۷، ص ۲۲۶

این قضایا باعث شد که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) در حاشیه قرار گرفتند. کار به جایی می‌رسد که مردم به خاطر تقرب به خداوند فرزند پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را می‌کشند!!

از امام سجاد (علیه السلام) سؤال می‌کنند: شنیدیم بعد از آنکه امام حسین (علیه السلام) در گودی قتلگاه افتاده بود و توانایی دفاع و رمق در بدن نداشت، تعدادی از مردم با شمشیر و نیزه و چوب و سنگ و کلوخ به جنازه بی‌رمق پدرت امام حسین حمله می‌کردند! امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: همه آنها می‌خواستند به خداوند عالم تقرب بچینند!!

زمانی که سنت پیغمبر اکرم از بین رفت، روایات پیغمبر اکرم از بین رفت، چنین اتفاقاتی به وجود می‌آید.

آقای «عقیل بی‌عقل» می‌گوید: ما در «صحیح مسلم» داریم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) سه مرتبه در قضیه غدیر فرمودند: "شما را به خدا اهل بیت من را احترام کنید."

آیا این رفتار آنان در کربلا، به معنای احترام است؟! اصلاً از کجا معلوم این روایاتی که آنان در مورد حدیث ثقلین بیان می‌کنند، جزو آن ۷۵ درصد روایات دروغ نباشد؟! اگر راست است، آیا امام حسین (علیه السلام) جزو اهل بیت عصمت و طهارت نیست؟!

بر فرض که قاتلین امام حسین (علیه السلام) طبق ادعای شما مدعی شیعه بودند، آیا این افراد سخن پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را نشنیده بودند؟! این سی هزار نفری که در کربلا بودند، همه شیعه بودند؟! پس اهل سنت کجا بودند؟!

سی هزار شیعه در کربلا جمع شدند و امام حسین (علیه السلام) را کشتند!! معذرت می‌خواهم اما شما دارید بالاترین توهین را به اهل سنت می‌کنید. اهل سنت یا خبر نداشتند، یا خبر داشتند و از فرزند پیغمبر اکرم دفاع نکردند؛ در هر دو صورت محکوم هستند.

چه شد که تنها «عبدالله بن سبأ» آمد و این همه فتنه به وجود آورد؟! قتل «عثمان بن عفان» و قضیه جنگ جمل تنها به عهده او بود؟! پس این صحابه در آن زمان چه نقشی داشتند؟!

به نقل «ابن کثیر» بعد از رحلت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) ۱۲۴ هزار صحابه بودند، آیا آنها عرضه نداشتند که با یک نفر مقابله کنند، آنوقت می‌خواهند سنت پیغمبر اکرم را حفظ کنند؟! عجیب است!!

می‌گویند: یک نفر بود که چنین فتنه‌ای را ایجاد کرد. پس آقایان اهل سنت و صحابه کجا بودند و چکار می‌کردند؟! مگر همین صحابه تمام زندگی خودشان را برای پیغمبر اکرم فدا نکردند؟!

صحابه که در جنگ «بدر»، «أحد»، «أحزاب» و در جنگ‌های دیگر فداکاری کردند و دشمنان پیغمبر اکرم را نابود کردند؛ آنوقت شخصی به نام «عبدالله بن سبأ» که نه خداوند او را آفریده است، نه ملائکه به او روزی می‌دهند و نه در لیست مأمورین عزرائیل قرار دارد؛ این شخص مردم را در قتل عثمان بسیج کرده است، مردم را تحریک به جنگ و جدال میان سپاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و سپاه عایشه و همچنین به کشتن امام حسین (علیه السلام) بسیج کرده است؟!

من نمی‌دانم این افراد این حرف‌ها را از کجا درآوردند و به چه صورت بوده است؟! صحابه‌ای که نتوانند جواب یک نفر را بدهند، این صحابه به چه دردی می‌خورند؟!

حال این بخشی بود و انشاءالله ما در جلسات بعدی آن را مفصلاً مطرح خواهیم کرد. دوستان عزیز بنده تنها یک نکته بگویم که در ذهن مبارک عزیزانمان باشد که تمامی احادیث پیغمبر اکرم به آتش کشیده شد و به کسی اجازه نقل ندادند.

نتیجه این کار باعث شد که بنی امیه؛ این شجره خبیثه ملعونه در قرآن کریم که ۱۸ سال با پیغمبر اکرم در مکه و مدینه جنگیده بودند، روی کار بیایند.

این کار سبب شد که تمام روایاتی که در مدح اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) بود کنار برود. همچنین روایات دروغینی که طبق گفته «یحیی بن معین» در آن زمان زیاد بود، روی کار آمد و شروع به ساختن حدیث در وصف خلفا و «یزید بن معاویه» کردند.

این کار ادامه پیدا کرد تا جایی که وقتی اهل بیت امام حسین (علیه السلام) به شام می‌رسند، مردم می‌گویند: "مگر پیغمبر اکرم غیر از بنی امیه بستگان دیگری هم داشت؟!"

زمانی که احادیث سنت پیغمبر اکرم از میان رفت، زمینه‌سازی آمدن بنی امیه فراهم شد که در رأس آنان «معاویه» بود که تمام فسادها در صدر اسلام به شخص معاویه برمی‌گردد.

### **مجری:**

حتی اهل سنت هم به این قضیه تصریح کردند. این مطلب از زبان یکی از علمای اهل سنت نقل شده است.

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

علمای اهل سنت کتب زیادی علیه «معاویه» نوشته اند و در این زمینه مطالب فراوانی دارند. بنده همین امروز داشتم از جناب آقای «سامی النشار» کتابی می‌خواندم که به مطلب جالبی برخوردم. این شخص شیعه نیست. سائیتی که ملاحظه می‌کنید، سایت «ویکی پدیا» هست که شرح حال عموم مردم را می‌نویسد. در این سایت نوشته شده است:

«علی سامی النشار أحد كبار المفكرين الإسلاميين في القرن العشرين، كان عالما كبيرا شافعي المذهب»

سپس در ادامه زندگینامه او، پس از آن اسامی استادان و شاگردان او و در نهایت تألیفات او را نقل کرده است.

همین شخص کتابی به نام «نشأة الفكر الفلسفي في الإسلام» دارد که بخش دوم آن «الجزء الثاني نشأة التشيع و تطوره» نام دارد و چاپ هشتم است. ایشان در آنجا در رابطه با معاویه می‌گوید: قضیه به جایی رسید که معاویه بن ابي سفيان سر کار آمد؛

«هذا الثنوي المجوسي الذي لم يؤمن أبداً»

این معاویه بت پرست مجوسی هرگز ایمان نیاورده بود.

سپس در ادامه مطالبی می‌گوید تا جایی که می‌گوید:

«فإن الرجل لم يؤمن أبداً بالإسلام»

این شخص هرگز به اسلام ایمان نیاورده بود.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه ۱۶ نهج البلاغه در این مورد قسم یاد می‌کنند و می‌فرمایند:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسْلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ»

قسم به خدایی که هستی را آفرید، معاویه و دیگران طلقاً هرگز مسلمان نشدند. آنان تظاهر به اسلام کردند و کفر خودشان را مخفی کردند.

نهج البلاغه؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق: صبحی صالح، ص ۳۷۴، خ ۱۶

همچنین «عمار» هم در جنگ صفین همین مسئله را بیان کرد؛ حال این شخص بی‌عقل می‌گوید: "سپاه معاویه با سپاه علی پشت سر همدیگر نماز می‌خواندند"، اگر به این شخص بی‌عقل بگوییم، واقعاً به بی‌عقلان توهین کرده‌ایم!!

«عمار» از سپاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌گوید: افرادی که در برابر ما هستند، کفار هستند و اصلاً مسلمان نیستند. اگر در فتح مکه تظاهر به اسلام کردند، دروغ گفتند.

این قضیه بماند، ما ان‌شاءالله مفصل در این قضیه صحبت می‌کنیم. این قضیه باعث شد تا بنی امیه روی کار بیایند و این اختلاف و درگیری و جنایت که بالاترین جنایت آن شهادت جانسوز و مظلومانه و غریبانه سیدالشهدا (علیه السلام) اتفاق بیفتد.

### **مجری:**

حضرت استاد از شما متشکرم و از فرمایشات شما ممنونم. به‌هرحال خیلی از اتفاقات باید ریشه‌یابی شود که مهم‌ترین آن واقعه کربلا است که واقعه بسیار مهمی است. شیعیان و اهل سنت باید بیشتر نسبت به این فاجعه تأمل کنند.

دلیل اینکه ما این برنامه‌ها را تقدیم حضور شما می‌کنیم، این است که به صورت مستند و مستدل بینیم ریشه‌های این فاجعه که پس از ۵۰ سال از شهادت نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) اتفاق افتاد چه بوده است.

ان‌شاءالله در این ایام که در عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، برای خادمان آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در «شبکه جهانی ولایت» دعا کنید. امشب شبی است که نسبت به حضرت مسلم بن عقیل عرض ارادتی می‌شود.

سلام ایزد منان سلام جبرائیل

سلام شاه شهیدان به مسلم بن عقیل

بینندگان عزیز از همراهی شما ممنونیم. باز هم فرارسیدن شب اول محرم را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنیم. ان‌شاءالله هرکجا هستید برای تعجیل در ظهور آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دعا کنید.

واقعاً در این عزاداری‌ها صاحب عزا را فراموش نکنیم. ان‌شاءالله در اول مجالس یادی از آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته باشیم.

### **تماس بینندگان برنامه:**



آقای غفاری از قم از شیعیان عزیز و گرامی پشت خط هستند. سلام علیکم و رحمة الله، خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم:

**بیننده** (آقای غفاری از قم - شیعه):

عرض سلام و ادب و احترام دارم به محضر مجری توانمند و عزیز جناب آقای حسینی و استاد بسیار ارجمند و گرانقدر و دوست داشتنی. بنده حقیر امشب بعد از تلاش بسیار این افتخار را دارم که به خدمت شما برسم و سؤالاتی از محضر شما بپرسم.

بنده هم خدمت شما و حضرت استاد فرارسیدن ماه محرم را تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

**مجری:**

آقای غفاری از شما ممنونم، انشاءالله که موفق و مؤید باشید.

**بیننده:**

حاج آقای قزوینی من دوتا سؤال از محضر شما داشتم. سؤال اول در رابطه با آیه ۲۹ سوره مبارکه اسراء است که خداوند متعال فرموده است که هرگز بیش از حد بخشش و انفاق نکنید و دست خودتان را باز نگذارید.

آیا این آیه با جریان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و فرزندان مبارک ایشان امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) که روزه گرفتند و افطاری خودشان را بخشش کردند تضاد ندارد؟!

سؤال دوم این است که چرا ما برای امام حسین (علیه السلام) گریه بکنیم؟!

در حال حاضر شبکه‌های وهابی این شبهه را مطرح می‌کنند که مگر امام حسین (علیه السلام) خودشان شهادت را انتخاب نکردند؟! مگر با این شهادت به بهشت نرفتند؟! مگر حضرت علی (علیه السلام) با شهادت خودشان نفرمودند «فُزْتُ وَ رَبِّ الْكُفْبَةِ»؟!

مگر امام حسین (علیه السلام) حضرت زینب (سلام الله علیها) را دعوت به صبر نفرمودند؟! پس ما چرا گریه می‌کنیم؟!

حاج آقا سؤال آخر من از شبکه‌های وهابیت به ویژه آقای «ملازاده» است که به ما اجازه سؤال پرسیدن نمی‌دهند. حاج آقای قزوینی شما این حدیث را برای آنان پیدا کنید، زیرا آقای «عقیل» می‌گوید: ما حدیث متواتر ضعیف داریم!!

مگر در این متواترهای ضعیف آنان نفرموده است که از فرزندان پیغمبر اکرم، شخصی به نام مهدی می‌آید؟! چطور شد که در اینجا حضرت مهدی را خدا انتخاب کرد، اما زمانی که به حضرت علی (علیه السلام) رسیدیم، ایشان را مردم انتخاب کردند؟!

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای غفاری شرط ما این بود کسی که روی خط می‌آید یک روایت ولو با آدرس در استدلال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر حقانیت خودشان بیان کند. حضرتعالی روایت را بفرمایید تا بنده جواب شما را بدهم.

#### **بیننده:**

حاج آقا من هیئت رفته بودم و همان لحظه‌ای رسیدم که زنگ زدم و دیگر وقت نداشتم مطالب قبلی شما را بشنوم. شما جواب سؤالات را بفرمایید، بنده هم اگر روایت بلد باشم خدمت شما عرض می‌کنم.

#### **مجری:**

حضرت استاد فرمودند امیرالمؤمنین نسبت به امامت و خلافت و حقانیت خودشان عبارت یا مطلبی دارند یا نه؟! آیت الله قزوینی امروز به طور مفصل روی این قضیه بحث کردند.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما از نهج البلاغه خطبه یا جمله‌ای از زبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر حقانیت و امامت آن حضرت برای ما بیان کنید.

#### **بیننده:**

حاج آقا الآن حضور ذهن ندارم که الآن از نهج البلاغه روایتی را از حفظ بگویم. اگر قبلاً می‌دانستم، می‌توانستم روایت استخراج کنم؛ اما الآن حضور ذهن ندارم. اگر شما بفرمایید بنده یادداشت می‌کنم و از محضر شما استفاده می‌کنم.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما در اینجا دو روایت آوردیم؛ یکی از خود «نهج البلاغه» و دیگری از کتاب «کافی» جلد هشتم در چاپ هشت جلدی صفحه ۳۴۳ و در چاپ‌های بیروت صفحه ۱۸۳ آوردیم. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این روایات می‌فرمایند:

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در غدیر خم من را برای امامت نصب کردند.

همچنین امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در خطبه دوم از کتاب «نهج البلاغه» فرمودند: خلافت و وصایت متعلق به آل محمد است، الآن که مردم بعد از قتل عثمان من را انتخاب کردند حق به حق دار رسید و خلافت به جایگاه اصلی‌اش منتقل شد.

منظور امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این است که خلیفه واقعی من بودم، تا الآن خلافت غصب بود و الآن حق به حق‌دار رسید.

روایتی که در کتاب «کافی» وارد شده است، مربوط به زمانی است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مشغول غسل پیغمبر اکرم بودند. آن حضرت زمانی که خبر سقیفه بنی ساعده را شنیدند، این روایت را برای سلمان نقل کردند.

#### **بیننده:**

آقای قزوینی من شاید نتوانستم منظور خود را به عرض شما برسانم.

#### **مجری:**

آقای غفاری عزیز توضیحات حضرت استاد در مقابل سؤالی بود که از حضرتعالی پرسیدند. انشاءالله سؤال شما را مطرح می‌کنم و پاسخ را دریافت می‌کنید.

#### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

انشاءالله زمانی که عزیزان ما روی خط می‌آیند، بزرگواری کنند در این ده شب حداقل یک یا دو روایت از زبان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بر امامت آن حضرت برای ما بیان کنند.

هدف ما این است که بچه شیعه‌ها از ۴ ساله تا پیرمردهای ۱۲۰ ساله حداقل یک یا دو روایت از کتاب «نهج البلاغه» یا از کتاب «کافی» یا از کتاب «شیخ صدوق» از زبان خود امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در حقانیت آن بزرگوار در ذهنشان باشد.

#### **بیننده:**

بنده همین الآن می‌توانم ده آیه از قرآن کریم بشمارم که حقانیت حضرت علی (علیه السلام) را ثابت کند.

#### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

موضوع بحث ما روایتی از زبان خود امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. وهابیت امروز ادعا می‌کند: "اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلیفه بودند، چرا خودشان آن را بیان نکردند؟!" ما باید در برابر شعار آنان جواب بدهیم.

زمانی که در جنگ بدر مشرکین از جمله معاویه و ابوسفیان یک طرف بودند و می‌گفتند:

«اعْلُ هُبْلُ»

و پیغمبر اکرم در طرف دیگر بودند و می‌فرمودند:

«اللَّهُ أَعْلَىٰ وَ أَجَلُّ»

تفسیر القمی، نویسنده: قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: موسوی جزائری، طیب، ج ۱، ص ۱۱۷، باب ۳ سورة آل عمران مدنیة و هی مائتا آية ۲۰۰

همان‌طور که پیغمبر اکرم شعار مناسب شعار کفار قریش بیان می‌کردند، بچه شیعه‌های ما هم باید در برابر شبّهات آنان جواب‌های دقیق داشته باشند. آنها می‌گفتند:

«لَنَا الْعُزَّىٰ وَ لَا عُزَّىٰ لَكُمْ»

پیغمبر اکرم در جواب می‌فرمودند:

«اللَّهُ مَوْلَانَا وَ لَا مَوْلَىٰ لَكُمْ»

الإحتجاج علی أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج ۱، ص ۲۷۴

از این کار پیغمبر اکرم نتیجه می‌گیریم که باید شعار در برابر شعار و جواب در برابر شبهه مطرح کنیم. امروز باید بچه شیعه‌های ما به قدری قوی باشند که عرصه را بر فرزندان بنی امیه و فرزندان معاویه و یزید تنگ کنند.

باید کاری کنیم تا این افراد حتی از زن و فرزند خود هم خجالت بکشند و نگویند: "اگر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خلیفه بود، چرا نگفت من خلیفه هستم!"

**مجری:**

جناب آقای غفاری بسیار از شما ممنونیم. عزیزانی که روی خط تشریف می‌آورند، سعی کنند اگر عبارتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در ذهنشان هست حتماً بفرمایند. سایر شب‌ها هم حضرت استاد دستور فرمودند با این کیفیت و این موضوع پیش برویم.

آقای صدرالدین از رشت سلام علیکم و رحمة الله:

**بیننده** (آقای صدرالدین از رشت - شیعه):

سلام علیکم و رحمة الله جناب آقای حسینی مجری محترم و همچنین خدمت جناب آقای دکتر حسینی قزوینی سلام عرض می‌کنم و ایام محرم را خدمت برادران عزیز و همه مسلمین جهان تسلیت عرض می‌کنم.

### **مجری:**

ما هم خدمت شما تسلیت عرض می‌کنیم.

### **بیننده:**

من یک سؤال از جناب آقای دکتر قزوینی داشتم. به قول فرمایش ایشان که می‌فرمایند بحث علمی کنیم، ما احتجاج و با منطق بحث کنیم. این سؤال برای خودم مطرح شده است.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

آقای صدرالدین ابتدا به سؤال ما پاسخ بدهید؛ آیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خودشان برای خلافت و امامت خودشان استدلال کردند یا خیر؟!

### **بیننده:**

مثلاً در «کلمات قصار نهج البلاغه» کلمه ۱۴۷ حضرت علی (علیه السلام) مبنی بر اینکه زمین از حجت خالی نیست.

همچنین در خطبه ۴۶ «نهج البلاغه» حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مورد جایگاه امامت بر روی زمین فرمودند که ریسمان‌ها را به هم جمع می‌کنند و اگر آن نباشد ریسمان‌ها از هم پاشیده می‌شود.

همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نامه‌ای به معاویه در مورد فضائل اهل بیت (علیهم السلام) نوشتند و در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) صحبت کردند که سید زنان عالم هستند.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

نه؛ روایتی نقل کنید که حضرت در مورد امامت خودشان بیان فرموده باشند. روایتی بیان کنید که امیرالمؤمنین به صراحت بفرمایند که من خلیفه پیغمبر اکرم هستم.

### **بیننده:**

خودتان خطبه دوم «نهج البلاغه» را فرمودید. من امشب متن عربی روایت را حفظ می‌کنم.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

معلوم می‌شود که اطلاعات شما خوب است.

**بیننده:**

بنده حافظ قرآن هستم و علاقمند هستم که این مطالب را حفظ کنم. به جهت اینکه شما امشب فرمودید حتماً این روایت را حفظ می‌کنم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

دست شما درد نکند، خداوند ان‌شاءالله به شما جزای خیر عنایت کند. من در خدمت شما هستم.

**بیننده:**

خواهش می‌کنم. سؤالی که می‌پرسم برای بنده پیش آمده است و یکی دو مرتبه شما در خفا به آن پاسخ دادید، اما بنده قانع نشدم.

ما معتقدیم که مؤمنین بر خداوند متعال توکل می‌کنند و می‌دانیم که خداوند متعال هست که نور را بر قلب‌های کسی که اهل آن باشد. طبق فرموده قرآن کریم اگر خداوند متعال بخواهد نور را بر قلب‌های انسان می‌زند و انسان را هدایت می‌کند.

زمانی که ما می‌دانیم مسئله امام حسین (علیه السلام) مسئله‌ای فوق‌العاده خاص در اسلام است؛ به طوری که ما معتقدیم که در روایات وارد شده است زمانی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می‌کند، در دومین جمله، خودشان را پسر آن شهیدی خطاب می‌کنند که عطشان کشته شد.

این مسئله به قدری اهمیت دارد که حضرت مهدی (ارواحنا له الفداه) در روز اولی که می‌خواهند ظهور بفرمایند، این مسئله را بیان می‌کنند. بنابراین همه می‌دانند که مسئله امام حسین (علیه السلام) فوق‌العاده حساس است.

بنده سؤالم این است زمانی که ائمه طاهرین (علیهم السلام) می‌آیند حدیث یا زیارتی را نقل می‌کنند و این واقعاً نور خداوند است که باید به گوش همه مردم زمین برسد.

بنابراین اگر ما با فتوای ذهنی خودمان به جهت مصلحت اندیشی این مسئله را پنهان کنیم، شاید به دلیل اینکه کلام نور است اگر ما مصلحت اندیشی کنیم آن را بدتر خراب کنیم؛ زیرا خداوند متعال است که می‌خواهد آن را بزرگ کند و جلوه بدهد.

**مجری:**

آقای صدرالدین عزیز برادر بزرگوار مقداری مقدمات را کنار بگذارید و سؤال اصلی را خیلی رُک مطرح کنید.

### چرا شما زیارت عاشورا را در شبکه ولایت پخش نمی کنید؟!

#### بیننده:

شما زیارت عاشورا را در شبکه خودتان پخش نمی کنید با این تفکر که احساس می کنید شاید این طور بیشتر به مصلحت باشد.

سؤالی که در ذهن بنده ایجاد شده است، این است: اگر ذهن ما در برابر کلام معصوم اجتهاد می کند، آیا عقلاً و منطقاً این اقدام نوعی گناه محسوب نمی شود؟!

اگر اعتقاد داریم که خداوند حامی دین هست و این دین را نشر می دهد و می آیم این کار را از خودمان انجام می دهیم، آیا همانند کارهای صدر اسلام نیست که احادیث پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) را به خاطر یک سری مسائل شخصی به آتش می کشند؟!

#### مجری:

مقدمات آقای صدرالدین مقداری طولانی شد. ایشان می گویند: آیا اینکه شما زیارت عاشورا را پخش نمی کنید و آن را مصلحت اندیشی قلمداد می کنید، گرفتن جلوی حق و حقیقت هست یا نیست؟!

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید برادر بزرگوارم امروز مسائلی وجود دارد که در جهان اسلام چه بسا زدن یک حرف حق فتنه ایجاد می کند، شیعیان و اهل سنت را به جان هم می اندازند و اهل سنت را به طرف وهابیت می کشاند.

اگر شما در جایی نماز بخوانید و همین نماز خواندن شما سبب شود که مسلمانی مورد اهانت قرار بگیرد یا به قتل برسد؛ آیا نماز خواندن شما صحیح هست یا نیست؟! دیگر از نماز بالاتر نداریم.

قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

**(الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)**

فتنه آنان از این کشتار شما شدیدتر بود.

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

اوایل انقلاب که آقای «قطب‌زاده» رئیس صدا و سیما بودند، در قم خیابان دورشهر منزل آقای «اشراقی» داماد امام (رضوان الله تعالی علیه) بودیم و آیت الله یزدی هم حضور داشتند. بنده که در آن مجلس حضور داشتم، شاهد بودم که گفتند: نظر امام خمینی این است که در صدا و سیما زیارت عاشورا پخش نشود!

در شهرهایی که اهالی آن شیعیان هستند، خواندن و پخش زیارت عاشورا هیچ اشکالی ندارد؛ اما بحث اینکه ما کوتاه بیایم تا حق به مردم نرسد این‌طور نیست.

بعضی از افراد شبهه وارد کرده بودند که سند زیارت عاشورا اشکال دارد. ما با حدود ۷ سند صحیح ثابت کردیم که زیارت عاشورا صحیح است.

بنده با جناب آقای «بی‌آزار شیرازی» که قبلاً استاد محترم دانشگاه ادیان بودند، مناظره مفصلی داشتم. ایشان می‌گفت: "لحن‌های آخر اضافه شده است و در کتب «شیخ صدوق» وجود ندارد"؛ بنده برای ایشان با دلیل محکم ثابت کردم که ایشان اشتباه می‌کنند.

بحث دیگر این است که ما تابع نظر مراجع بزرگوارمان هستیم. آن‌ها قطعاً از بنده و جنابعالی بیشتر خیرخواه اسلام هستند و بیشتر غم اسلام و شیعه را می‌خورند. آن بزرگواران مصالحی را ملاحظه می‌کنند که شاید به ذهن بنده و جنابعالی نرسد.

این موارد کوتاهی از حق نیست؛ بلکه رعایت مصالح است. شما مشاهده کنید که شیعه و اهل سنت معتقد هستند که «حجر اسماعیل» جزو خانه خدا بوده است.

زمانی که از رسول گرامی اسلام می‌پرسند: چرا «حجر اسماعیل» را وارد خانه خدا نمی‌کنید؟! آن حضرت می‌فرمایند: اگر آنجا را وارد خانه خدا کنم، صحابه من مرتد می‌شوند و از دین برمی‌گردند.

«عبدالله بن ابی» سرکرده منافقین است که ده‌ها جنایت کرده است. اطرافیان به رسول گرامی اسلام خطاب می‌کنند: یا رسول الله! اجازه بدهید ما این منافق را بکشیم، زیرا کشتن منافق واجب است. حضرت در جواب می‌فرمایند:

**«دَعُهُ لَا يَتَخَذُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ»**

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٨٤١، ح ٤٦٢٢

حضرتعالی که الحمدلله اهل تحقیق هستید، همین واژه را در برنامه‌های اسلامی بزنید؛ آن زمان مشاهده می‌کنید که در چندین مورد زمانی که جاسوس یا منافقی را می‌گرفتند و می‌خواستند او را بکشند، پیغمبر اکرم از کشتن او اجتناب می‌فرمودند.



مهمتر از همه این‌ها بنده یک سؤال از شما می‌پرسم که می‌توانید الآن به آن جواب ندهید و بعداً جواب بدهید. خداوند عالم در قرآن کریم فرمودند:

**(وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَاَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ  
نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يَرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ)**

و بعضی از بادیه‌نشینان که اطراف شمایند منافقانند، و همچنین بعضی از اهل مدینه، که در نفاق فرو رفته‌اند، تو ایشان را نمی‌شناسی، ما می‌شناسیمشان، بزودی دوباره عذابشان خواهیم کرد، و آن گاه بسوی عذابی بزرگ برده می‌شوند.

سوره توبه (۹): آیه ۱۰۱

خداوند متعال در این آیه شریفه اسامی منافقین را به پیغمبر اکرم نداده است و این حق را از پیغمبر اکرم پنهان فرموده است. آیا شما می‌توانید به خداوند اشکال بگیرید که اسامی منافقینی که در آینده فتنه‌ها درست کرده‌اند، از پیغمبر اکرم مخفی کرده است؟!

**بیننده:**

جناب دکتر قزوینی بنده امیدوارم که برنامه امشب شما را برادران اهل تسنن همگی دیده باشند، زیرا واقعاً برنامه عجیبی بود و شما حجت را تمام کردید. اگر کسی بخواهد کلام رسول الله را لگدکوب کند، حجت بر تمام اهل عالم تمام می‌شود.

من امیدوارم برادران اهل تسنن مقداری به احادیثی که شما امشب بیان کردید، فکر کنند؛ زیرا واقعاً نور و روشنایی بود و حجت را برای همه تمام کرد. از شما هم تشکر می‌کنم.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بنابراین با وجود توضیحاتی که بیان شد، شما قانع شدید؟!

**بیننده:**

صدرصد. استاد ما هرچیزی که یاد گرفتیم از شما یاد گرفتیم، خدا به شما خیر عطا کند.

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

بچه شیعه‌های ما هم باید این مطالب را یاد بگیرند. ما این کار را از خداوند متعال یاد گرفتیم، زیرا خداوند متعال اسامی منافقین را از پیغمبر خود مخفی کرده است.

**مجری:**

آقای صدرالدین عزیز گاهی مواقع سوء برداشت‌هایی می‌شود. اعتقادات شیعه اظهر من الشمس است، در مورد زیارت عاشورا که واضح و مشخص و مبین است. اگر جان ما شیعیان را بگیرند هم حاضر نمی‌شویم زیارت عاشورا را کنار بگذاریم.

ممکن است در یک موضعی نخواهیم روی پخش آن در شبکه تأکید کنیم، اما این زیارت عاشورا با گوشت و پوست و خون ما عجین شده است.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

ما تابع نظر مراجع هستیم. ما دیروز در اصفهان صحبت داشتیم که بحث قمه زنی پیش آمد. گفتم: قبل از انقلاب هرکسی از بنده در مورد قمه زنی سؤال می‌کرد، بنده می‌گفتم که امروز قمه زنی به ضرر شیعه است و باعث کشاندن بچه شیعه‌ها به طرف وهابیت می‌شود.

با تمام این حال نظر آن دسته از مراجعی که می‌گویند: "قمه زنی خوب است" یا "قمه زنی مستحب است" به آن احترام می‌گذاریم و در عین حال نظر مراجعی هم که می‌گویند: "قمه زنی حرام است" را هم روی چشممان می‌گذاریم و به آن احترام می‌گذاریم.

اینکه بعضی از افراد طرفدار این هستند که مرجع دیگر را مورد حمله قرار بدهند، این کارشان اشتباه است. حتی در یکی از این شبکه‌ها میزگردی را تشکیل داده بودند، ما هم پیام دادیم که شما لازم نیست چند نفر را جمع کنید که همه هم موافق باشند.

حداقل چند نفر از مخالفین قمه زنی را هم بیاورید که حرف بزنند و مخاطبین شما بشنوند. این افراد حاضر نشدند از ما دعوت کنند تا به آنجا برویم. از طرف دیگر مداحی که طهارتش را بلد نیست در همان جلسه به مراجع جسارت می‌کند. آیا این کار صحیح است؟!

### **مجری:**

استاد از شما متشکرم، آقای صدرالدین از شما ممنونم. بنده از عزیزانی که پشت خط هستند عذرخواهی می‌کنم، زیرا می‌خواهیم به پاسخ سؤالات آقای غفاری برسیم.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

به دلیل اینکه آقای غفاری به سؤالات ما پاسخ ندادند، ما هم به سؤالات ایشان پاسخ نمی‌دهیم. بنده از اول گفتم اگر کسی به سؤالات ما پاسخ ندهد، ما به سؤالات او پاسخ نمی‌دهیم.

بنده در این ماه محرم پنج یا شش برنامه دارم. برنامه بنده این است که هر عزیزی می‌خواهد روی خط بیاید، ما قدم او را روی چشم می‌گذاریم، اما بشرطها و شروطها و جواب ما من أهم شروطها!! اگر کسی الآن تماس گرفته است روی خط بیاید.

## مجری:

بنده چون به اتاق فرمان گفتم که دیگر تماس نگیرند، تماسی برقرار نمی‌شود. حال اجازه می‌فرمایید که من سؤال ایشان را به عنوان سؤال مطرح کنم؟!

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بفرمایید شما مطرح کنید.

## آیا بخشش سه روزه امیرالمؤمنین و خانواده ایشان؛ با آیات قرآن منافات دارد؟!

## مجری:

سؤال این است که طبق فرمایش قرآن کریم نه اینقدر دست را به گریبان محکم بچسبان که کنایه از خساست باشد و نه دست را به صورت کامل باز بگذارید.

آیا این فرمایش قرآن کریم منافاتی دارد با بذل و بخششی که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشتند که سوره دهر برای آن بزرگواران نازل شده است؟!

## آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

از طرفی دیگر در قرآن کریم:

## (و يُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ)

مهاجرین را بر خود مقدم می‌دارند.

سوره حشر (۵۹): آیه ۹

در جواب آن آیه شریفه وارد شده است که خیلی واضح و روشن است. بحث ایثار به معنای از خود گذشتگی است. آن بزرگواران سه شبانه روز افطار خودشان را برای دیگران ایثار می‌کنند که جواب این آیه در قرآن کریم واضح است.

## آیا نوحه سرایی برای امام حسین (علیه السلام) خلاف شرع است؟!

در رابطه با نوحه سرایی بود که من به شما جواب می‌دهم. ببینید برادر بزرگوامر اتفاقاً در جلسه دیروز هم یکی از سؤالاتی که این آقایان علما از من سؤال کردند، این بود که شما می‌گویید که امام حسین به بهشت رفته است و بهشت رفتن که اصلاً ناراحتی ندارد.

اولاً ما بارها گفتیم که توهین به مقدسات اهل سنت خلاف شرع و حرام است و در آن هیچ شکی نیست.

زمانی که بعضی از عوام الناس جشن «عمر کشان» می‌گیرند و در روز قتل عمر شادی می‌کنند، شما ادعا می‌کنید: "این افراد بی‌دین و لامذهب هستند و قتلشان واجب است." شما چرا این حرف را می‌زنید؛ درحالی که معتقدید که عمر کشته شد و به بهشت رفت؟!!

اگر این‌طور باشد باید برای کشته شدن عمر شادی کرد، چرا شما در روز قتل عمر شادی نمی‌کنید؟! چرا در روز قتل ابوبکر شادی نمی‌کنید؟! چرا روز قتل عثمان شادی نمی‌کنید؟! مگر شما نمی‌گویید که این افراد به بهشت رفتند؟!!

اگر شما واقعاً راست می‌گویید اولاً باید خودتان به آن عمل کنید!

### **مجری:**

حتی زندانیان داعشی که این‌ها دارند و طرفدار آن هستند زمانی که اعدام می‌شوند، این افراد دیگر واویلا به راه می‌اندازند.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

حتی یک مرتبه در شبکه‌های شیعه به عایشه توهینی شده بود که این حق‌گریه می‌کردند. به علاوه جواب دیگر این است که ما تابع اهل‌بیت (علیهم‌السلام) هستیم. مشاهده کنید که حضرت زهرا (سلام الله علیها) زمانی که پیغمبر اکرم می‌خواستند از دنیا بروند، نوحه سرایی می‌کردند و می‌فرمودند:

**«يا أَبَتَاهُ أَحَابَ رَبًّا دَعَاهُ يَا أَبَتَاهُ مِنْ جَنَّةِ الْفِرْدَوْسِ مَا وَاوَهُ»**

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ٤١٩، ح ٤١٩٣

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) علی رغم اینکه می‌دانستند که پیغمبر اکرم به بهشت می‌روند، نوحه سرایی و گریه می‌کردند. آن بزرگوار همچنین پس از شهادت پدر بزرگوار خود در کنار قبر آن حضرت نوحه سرایی می‌کردند.

همچنین آقایان می‌گویند که صدیقه طاهره (سلام الله علیها) می‌فرمایند:

**«صبت علی مصائب لو أنها ... صبت علی الأيام صرن لياليا»**

نزهة المجالس ومنتخب النفائس، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن عبد السلام بن عبد الرحمن بن عثمان الصفوري، دار النشر: دار المحبة - دار آية- بيروت - دمشق - ٢٠٠١ / ٢٠٠٢، الطبعة: لا يوجد، تحقيق: عبد الرحيم مارد يني، ج ٢، ص ٣٨٧، باب وفاة النبي

به علاوه آقایانی که می‌گویند: "نوحه سرایی بدعت است"، " کسی برای شخصی که از دنیا رفته است، نباید نوحه سرایی کند" نوحه سرایی عایشه برای پدرش چه معنایی دارد؟! در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

### «وقد أخرجَ عُمَرُ أَخْتَ أَبِي بَكْرٍ حِينَ تَاخَتْ»

همگی داشتند برای ابوبکر نوحه سرایی می‌کردند.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٢، ص ٨٥٢، ح ٢٢٨٧

همچنین در کتاب «فتح الباری شرح صحیح البخاری» به طور مفصل نقل شده است:

### «لما توفي أبو بكر أقامت عائشة عليه النوح»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج ٥، ص ٧٤

عایشه که ادعا می‌کند پدرش به بهشت رفته است، برای چه نوحه سرایی می‌کرد؟! ما هرچه از شبکه‌های وهابی سؤال می‌کنیم، کسی جواب ما را نمی‌دهد؛ حتی آقای «ملازاده» دانشمند جهان معاصر می‌گوید: من بلد نیستم جواب شما را بدهم!

همچنین در کتاب «مسند أحمد» جلد ششم با سند صحیح وارد شده است که می‌نویسد: وقتی پیغمبر اکرم از دنیا رفت؛

### «وقمت ألتدم مع النساء واضرب وجهي»

من و همسران پیغمبر با همدیگر سینه می‌زدیم و من به صورتم می‌زدم.

آیا این کار آنان بدعت بوده است؟! اتفاقاً یکی از طلبه‌ها پرسید: این افراد در اول روایت می‌گویند:

### «فمن سفهي وحدائة سني»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، الناشر: مؤسسة قرطبة - القاهرة، الأحاديث مزيلة، بأحكام شعيب الأرنؤوط عليها، ج ٦، ص ٢٧٤، ح ٢٤٣٩١

اگر این چنین در نظر بگیریم، در آن زمان عایشه حداقل ۱۸ سال داشته است که به نظر ما ۲۷ سال داشته است. بر فرض به فرمایش خود آقایان که ۱۸ سال داشته؛ آیا یک زن ۱۸ ساله بچه است؟!

اگر واقعاً «فمن سفهی وحدائة سنی» را در اینجا معیار در نظر بگیریم، ۲۲۰۰ روایتی که از عایشه نقل می‌کنند، همگی زیر سؤال می‌رود. در اینجا قاعده «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز واحد» صدق می‌کند.

از طرف دیگر ما برای خودمان دلیل داریم. رسول گرامی اسلام برای امام حسین (علیه السلام) عزاداری کرده است، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای امام حسین عزاداری کرده است، امام حسن و دیگر ائمه طاهریں هم عزاداری کرده‌اند.

اولین بنیانگذار عزاداری برای امام حسین (علیه السلام)، ائمه طاهریں (علیهم السلام) بوده‌اند. انشاءالله دوستان ما از این به بعد هرشب یک روایت از ائمه طاهریں (علیهم السلام) درباره گریه و عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) نقل خواهند کرد.

### **مجری:**

حضرت استاد از شما متشکرم و ممنونم از مطالبی که فرمودید.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

من به احترام شما به این سؤالات پاسخ دادیم؛ وگرنه ما گفتیم در برنامه ما هرکسی جواب ما را ندهد، ما حرف ایشان را می‌شنویم و احترام می‌گذاریم اما از پاسخگویی به سؤالشان معذوریم.

### **مجری:**

انشاءالله از جلسه آینده شیعیان عزیز به این مورد توجه کنند.

### **آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

شما هم تذکر بدهید که شیعه‌ای که می‌خواهد روی خط بیاید، باید روایتی از استدلال امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به امامت خودشان را برای ما بخوانند. بنده حدود ۲۰ تا ۲۵ جلسه در مورد این مبحث صحبت کردیم.

فایل این مبحث در سایت «شبکه جهانی ولایت» تحت عناوین مختلفی همچون: استدلال امیرالمؤمنین بر امامت خویش، استدلال امیرالمؤمنین به حدیث غدیر، استدلال امیرالمؤمنین به حدیث ثقلین، استدلال امیرالمؤمنین به حدیث غدیر، استدلال امیرالمؤمنین به حدیث خلافت، استدلال امیرالمؤمنین به حدیث وصایت، استدلال امیرالمؤمنین به آیه ولایت.

ما تمام این موضوعات را از کتب شیعه و سنی نقل کردیم؛ دوستان می‌توانند به سایت مراجعه کنند و دو یا سه روایت حفظ کنند.

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی سیدالشهدا (علیه السلام) فرج مولای ما ولی عصر نزدیک بگردان، همه ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده، قلب مقدسش از ما راضی بگردان، ما را مشمول دعاها و ویژه آن بزرگوار قرار بده.

خدایا به حق آقا امام حسین (علیه السلام) رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما، حوائج حاجت مندان روا نما.

خدایا حوائج ما و حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً حوائج ولایت یاوران به آبروی امام حسین (علیه السلام) برآورده نما، دعاها را به اجابت برسان. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

### **مجری:**

ممنونم از شما حضرت استاد و متشکرم از شما بینندگان عزیز و ارجمند. ان شاء الله در این شب‌ها عزاداری‌های شما مقبول درگاه احدیت واقع بشود. یا علی مدد، خدانگهدار